رویش روان شناسی، سال۱۴، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۰۸، خرداد ۱۴۰۴
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),14(3), 2025

پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج براساس بلوغ هیجانی و نیازهای دلبستگی در دانشجویان متاهل

Prediction of Marital Instability Based on Emotional Maturity and Attachment Needs in Married Students

فرزاد رئیسی
کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، دانشکدهٔ علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
دکتر سیامک سامانی (نویسنده مسئول)
استادیار، گروه روانشناسی، دانشکدهٔ علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

Farzad Raeisi
M.A, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
Dr. Siamak Samani *
Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
Samanisiamak@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج براساس بلوغ هیجانی و نیازهای دلبستگی بود. روش پژوهش، توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل دانشجویان متاهل دانشگاه آزاداسلامی واحد شیراز در سال تحصیلی۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود که از میان آن‌ها تعداد ۲۰۰ نفر (۷۵ مرد و ۱۲۵ زن) به روش نمونه‌گیری در دسترس به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه بی‌ثباتی ازدوج ادواردز و همکاران (۱۹۸۷، MII)، پرسشنامه نیازهای دلبستگی سامانی و سهرابی (۲۰۲۲، MANS) و پرسشنامه بلوغ هیجانی سینگ و بهارگاوا (۱۹۹۰، EMS) بود. داده‌ها با استفاده از آزمون رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرارگرفت. یافته‌ها نشان داد که متغیرهای بلوغ هیجانی و نیازهای دلبستگی به‌صورت معناداری (P<۰/۰۰۱) قادر به پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج هستند، بدین گونه که میزان تبین واریانس برای بی‌ثباتی ازدواج توسط نیازهای دلبستگی و بلوغ هیجانی در مجموع برابر با ۶۶ درصد بود. با توجه به نتایج به‌دست آمده پیشنهاد می‌شود در مشاوره‌های پیش‌از ازدواج به برسی سطح بلوغ هیجانی و نیازهای دلبستگی زوجین و برگزاری کارگاه‌هایی جهت ارتقا سطح آگاهی آنها نسبت به این عوامل پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: *نیازهای دلبستگی، بلوغ هیجانی، بی‌ثباتی ازدواج، دانشجویان متاهل.*

Abstract

The aim of this research was to investigate the prediction of marital instability based on emotional maturity and attachment needs. The research method was descriptive-correlational. The statistical population consisted of married students of Islamic Azad University, Shiraz Branch, in the academic year 1402-1403, from which 200 people (75 men and 125 women) were selected as samples using the convenience sampling method. The research instruments included Edwards et al.'s Instability Questionnaire (1987, MII), Samani and Sohrabi's Attachment Needs Questionnaire (2022, MANS), and Singh and Bhargava's Emotional Maturity Scale (1990, EMS). The data were analyzed using multiple regression test. The findings showed that the variables of emotional maturity and attachment needs were significantly (P<0.001) able to predict marital instability, such that the amount of variance explained for marital instability by attachment needs and emotional maturity was 66 percent in total. According to the results obtained, it is suggested that premarital counseling should examine the level of emotional maturity and attachment needs of couples and hold workshops to raise their awareness of these factors.

Keywords: *Attachment Needs, Emotional Maturity, Marital Instability, Married Students.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : بهمن ۱۴۰۳** | **پذیرش: فروردین ۱۴۰۴** | **ویرایش نهایی: خرداد ۱۴۰۴**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.3.113]

مقدمه

خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی در تمامی جوامع بشری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به‌عنوان منبعی از عشق، حمایت و صمیمیت شناخته می‌شود (میری و همکاران، ۱۴۰۲). آغاز زندگی زناشویی معمولاً با احساسات مثبت و عشق عمیق همراه است و هر فرد با امید به تداوم و پایداری رابطه، قدم به این مسیر می‌گذارد (مایا[1] و همکاران، ۲۰۲۴). در این راستا، ثبات در ازدواج به معنای وجود عناصری چون شور و اشتیاق، صمیمیت و تعهد است که همگی برای حفظ یک ازدواج سالم ضروری هستند (ادکمی[2] و همکاران، ۲۰۲۲). با این حال، ممکن است برخی از زوجین با چالش‌هایی مواجه شوند که منجر به بی‌ثباتی رابطه زناشویی آن‌ها شود (بیژنی و همکاران، ۱۴۰۲). بی‌ثباتی ازدواج معمولاً به مفاهیمی مانند از هم پاشیدگی زناشویی[3]، قطع روابط زناشویی[4]، طلاق[5] و کیفیت پایین زندگی[6] زناشویی مرتبط است (کوچاک[7]، ۲۰۲۴؛ دریکوندی و اصفهانی اصل، ۱۴۰۳). از هم پاشیدگی زناشویی به معنای انحلال قانونی یک ازدواج از طریق طلاق است (مجرد و همکاران، ۱۴۰۳) که می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد؛ از جمله عدم توافقات اساسی یا تغییرات شخصیتی. کیفیت پایین زندگی زناشویی نشان‌دهنده نارضایتی و ناسازگاری در رابطه است که معمولاً ناشی از عدم ارتباط مؤثر یا فقدان صمیمیت است. با این حال، باید توجه داشت که کیفیت پایین لزوماً به معنای گرایش زوجین به طلاق نیست؛ بلکه ممکن است برخی زوجین با وجود مشکلات موجود تصمیم بگیرند که تلاش بیشتری برای حفظ رابطه خود انجام دهند (جوینر[8] و همکاران، ۲۰۲۴).

از میان سازه‌های مختلف روانشناختی، بلوغ هیجانی[9] به عنوان یک عامل حیاتی در روابط زناشویی، نقش بسزایی در پایداری و کیفیت این روابط ایفا می‌کند. این مفهوم، که دربرگیرنده توانایی مدیریت و تنظیم هیجانات در موقعیت‌های مختلف است، به زوجین کمک می‌کند تا با چالش‌ها و استرس‌های زندگی مشترک به شکل موثرتری مقابله کنند (جعفرنژاد و خاکپور، ۱۴۰۳). فردی که از بلوغ هیجانی بالایی برخوردار است، قادر است احساسات خود را شناسایی کرده و به‌طور سازنده از آن‌ها بهره ببرد (آگوستینا[10] و همکاران، ۲۰۲۴). زمانی یک شخص به سطح بالایی از بلوغ هیجانی دست پیدا کرده که بتواند احساسات و هیجانات خود را شناسایی کند و به‌طور کارآمدی از آن‌ها استفاده نماید (پوربا و کاسومیاتی[11]، ۲۰۲۴). نکته مهم در شکل گیری رابطه بین زوجین این می‌باشد که آیا زوجین تا قبل از اینکه وارد رابطه شوند از لحاظ عاطفی و هیجانی به سطح قابل قبولی از بلوغ رسیده‌اند یا این که پس از ورود به زندگی مشترک به دنبال دستیابی به آن هستند (جعفرنژاد و خاکپور، ۱۴۰۳). بلوغ هیجانی جنبه‌ای اساسی از ازدواج‌های موفق است که بر کیفیت روابط و توانایی مدیریت چالش‌ها تأثیر می‌گذارد و شامل خودآگاهی، ارتباط مؤثر، همدلی و توانایی مدیریت سازنده احساسات است. افراد با بلوغ هیجانی به راحتی می‌توانند صحبت کنند، در بحث‌هایی با دیدگاه‌های متفاوت شرکت کنند و به‌طور فعال گوش دهند. آن‌ها احساسات خود و شریکشان را می‌پذیرند و بر درک آن‌ها تمرکز می‌کنند، به جای اینکه از احساسات فرار کنند یا آن‌ها را سرکوب کنند (غلامی قره‌شیران و همکاران، ۱۴۰۱). بلوغ هیجانی به زوج‌ها کمک می‌کند تا با هم رشد کنند و از یکدیگر حمایت کنند، که این امر برای حفظ رابطه ضروری است. برعکس، ناپختگی هیجانی می‌تواند منجر به چالش‌های قابل توجهی در ازدواج شود، مانند اجتناب از گفتگوهای دشوار یا واکنش‌های احساسی (آگوستینا و همکاران، ۲۰۲۴)، که فشار زیادی بر رابطه وارد می‌کند. بلوغ هیجانی نقش حیاتی در موفقیت ازدواج ایفا می‌کند و ارتباطات را تقویت کرده، همدلی را افزایش داده و مسئولیت شخصی را ترویج می‌کند (نویتاساری[12] و همکاران، ۲۰۲۳)؛ بنابراین، زوج‌هایی که این بلوغ را پرورش دهند، احتمالاً تجربه رضایت و ثبات بیشتری را در طول زمان خواهند داشت. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بلوغ هیجانی با تمامی متغیرهای زناشویی مانند درک و پذیرش همسر، ارتباط زناشویی، حل تعارض و... ارتباط معنی‌داری دارد (کاکلیان و همکاران ۱۴۰۳).

1 Maya
2 Adekemi
3 Marital dissolution
4 Marital relationship disruption
5 divorce
6 Low quality of marriage
7 Koçak
8 Joiner
9 emotional maturity
10 Agustina
11 Purba & Kusumiati
12 Novitasari

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.3.113]

از طرفی، تجسم زندگی بدون هیجانات برای انسان غیرمحتمل بوده و هیجان‌ها در واقع بخش انکار ناپذیری از زندگی هستند (نگوین[1] و همکاران، ۲۰۱۹) از عوامل تاثیر گذاری که می‌تواند بر بلوغ هیجانی تاثیر بگذارد، سبک دلبستگی افراد می‌باشد (ژانگ و همکاران[2]، ۲۰۲۳). در واقع هیجان، نقطه مرکزی دلبستگی است (اوزرن[3]،۲۰۲۲). دلبستگی عبارت است از پیوند عاطفی عمیقی که شخص با افراد خاص در زندگی ارتباط برقرار می‌کند، طوری که باعث می‌شود وقتی با آن‌ها تعامل می‌کنیم احساس نشاط کنیم و به هنگام استرس از اینکه آن‌ها را درکنار خود داریم احساس آرامش خواهیم داشت (گینالسکا و سیچوپک[4]، ۲۰۲۴). نیازهای دلبستگی در روابط زناشویی شامل احساس امنیت، دوست داشته شدن، احساس الویت و ارزشمندی، و احساس حمایت و دریافت مراقبت است. عدم توجه به این نیازها می‌تواند منجر به رنجش زوجین و ایجاد چرخه‌های تعاملی معیوب شود (سامانی و سهرابی، ۲۰۲۲). در واقع، عدم تحقق این نیازها نه تنها با تعارض و نارضایتی زناشویی همراه است، بلکه می‌تواند به بروز احساساتی مانند اضطراب، پرخاشگری، نگرانی، ترس و افسردگی منجر شود که جانسون و ویفرن[5] (۱۹۹۹) این احساسات را به‌عنوان احساسات ثانویه در مدل درمانی خود معرفی کرده است. زوجین برای کنترل و تنظیم هیجانات خود تلاش می‌کنند تا از طرف مقابل که باعث پریشانی آن‌ها شده است، آرامش و اطمینان مجدد دریافت کنند. این تلاش‌ها بر اساس الگوهای دلبستگی آن‌ها به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود (لادا-ماسکو و کازمیرچاک[6]، ۲۰۲۵). همچنین، وجود احساس عدم امنیت در بین زوجین ممکن است مانع از بروز تلاش‌های لازم برای ارضای نیازهای دلبستگی شود. نظریه دلبستگی نشان می‌دهد که کیفیت روابط اولیه با والدین تأثیر عمیقی بر روابط عاشقانه بزرگسالی دارد (اوزرن،۲۰۲۲). بالبی[7] (۱۹۷۳) معتقد است که دلبستگی ایمن در دوران کودکی به روابط سالم در بزرگسالی کمک می‌کند و بر رفتار، شناخت و هیجانات افراد تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل، امنیت در روابط زناشویی به‌عنوان هسته نظام دلبستگی توصیف می‌شود و افراد در جستجوی کسب آن هستند تا بتوانند در سایر جنبه‌های زندگی نیز موفق باشند (مارتینز[8] و همکاران، ۲۰۲۳). به‌طور کلی، کیفیت و الگوی دلبستگی افراد در روابط عاشقانه بزرگسالی ممکن است مشابه الگوی دلبستگی آن‌ها در رابطه با والدین باشد (لادا-ماسکو و کازمیرچاک، ۲۰۲۵) که این امر نشان‌دهنده تأثیر عمیق تجربیات اولیه بر روابط بعدی است و اهمیت توجه به نیازهای دلبستگی را در حفظ رضایت زناشویی نمایان می‌کند.

با توجه به افزایش روزافزون میزان آمار بی‌ثباتی و گسست در روابط زناشویی در ایران (کاکلیان و همکاران، ۱۴۰۳)، می‌توان گفت بی‌ثباتی در ازدواج از چالش‌های اساسی و مهم زندگی خانواده در عصر حاضر می‌باشد. در این بین بررسی بی‌ثباتی ازدواج در دانشجویان متأهل به عنوان گروهی در معرض تنش‌های چندگانهٔ تحصیلی، مالی و گذار به نقش‌های بزرگسالی، از اهمیت بالینی و اجتماعی ویژه‌ای برخوردار است. مطالعات نشان می‌دهند ۳۰-۲۵٪ ازدواج‌های این گروه در پنج سال نخست با چالش‌های جدی مواجه می‌شوند (وایونی[9] و همکاران، ۲۰۲۴). از این رو پژوهش حاضر که با هدف پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج بر اساس بلوغ هیجانی و نیازهای دلبستگی در دانشجویان متاهل انجام شد؛ با تمرکز هم‌زمان بر بلوغ هیجانی (توانایی تنظیم هیجانها و همدلی در تعاملات) و نیازهای دلبستگی (الگوهای درونی حاصل از تجارب ارتباطی اولیه)، دو متغیر کلیدی در پویایی روابط زناشویی، به شکاف دانشی موجود در زمینهٔ پیش‌بین عوامل روانشناختی تهدیدکنندهٔ ثبات ازدواج و خانواده در این جمعیت خاص پاسخ می‌دهد. یافته‌های این مطالعه امکان طراحی مداخلات آموزشی هدفمند در محیط‌های دانشگاهی (مثل کارگاه‌های مدیریت هیجان و بهبود سبک‌های دلبستگی) را فراهم می‌کند که نه‌تنها از هزینه‌های اجتماعی-اقتصادی پیامدهای ناشی از بی‌ثباتی ازدواج پیشگیری می‌نماید، بلکه به ارتقای کیفیت زندگی زناشویی و خانوادگی دانشجویان متاهل نیز کمک شایانی خواهد کرد. لذا، هدف از انجام پژوهش حاضر پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج براساس بلوغ هیجانی و نیازهای دلبستگی بود.

1 Nguyen
2 Demeter. Costea & Rusu,
3 Ozeren
4 Ginalska & Cichopek
5 Johnson & Whiffern
6 Lada-Masko & Kazmierczak
7 Bowlby
8 Martins
9 Wahyuni

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.3.113]

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی_همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمام دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه ۲۰۰ نفر از این دانشجویان بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای تعیین حجم نمونه از طریق فرمول کرامر به ازای هر مولفه‌ی پیش‌بین، تعداد ۲۰ نفر نمونه لحاظ شد. از آنجا که مجموع مولفه‌های پیش‌بین پژوهش حاضر ۸ مولفه بود، بنابراین گروه نمونه مورد مطالعه ۱۶۰ نفر برآورد شد که درنهایت به‌منظور بالا بردن اعتبار بیرونی تحقیق، ۲۰۰ نفر جهت انجام پژوهش انتخاب شدند. ملاک ورود به مطالعه گذشت حداقل یک سال از زمان ازدواج، عدم اقدام به طلاق در زمان پژوهش، عدم دریافت روان‌درمانی و عدم استفاده از داروهای اعصاب و روان و ملاک خروج شامل پرسشنامه مخدودش و انصراف از تکمیل پرسشنامه بود. همچنین جهت انجام پژوهش کد اخلاق به شماره IR.IAU.SHIRAZ.REC.1403.056 از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز اخذ گردید و تمامی ملاحظات اخلاقی شرکت در پژوهش شامل کسب رضایت آگاهانه، محرمانه ماندن اطلاعات پرسشنامه‌ها، عدم نیاز به اسامی شرکت‌کنندگان و اجازه خروج از مطالعه در هر زمان رعایت گردید. در نهایت، داده‌های پژوهش با استفاده از روش تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان و نرم‌افزار spss نسخه ۲۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

پرسشنامه بی‌ثباتی ازدواج[1] (MII): پرسشنامه شاخص بی‌ثباتی ازدواج توسط ادواردز[2] و همکاران (۱۹۸۷) تهیه و تنظیم شده است. این شاخص یک ابزار ۱۴ سوالی است. این پرسشنامه به‌صورت طیف لیکرت چهاردرجه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۴ (خیلی) نمره‌گذاری می‌شود و نمرات بالاتر از ۴۲ نشان‌دهنده‌ی بی‌ثباتی شدید در ازدواج است. پایایی این مقیاس توسط سازندگان آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ و و روایی آن با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی ۰/۷۱ گزارش شده است (ادواردز و همکاران، ۱۹۸۷). در ایران نیز سلیمانیان و همکاران (۱۳۹۵) برای بررسی پایایی این پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار آن برابر با ۰/۸۲ به‌دست آمد. همچنین روایی همگرایی این پرسشنامه با صمیمیت زناشویی با ضریب همبستگی ۰/۵۳- گزارش شده است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۷۴ به‌دست آمد.

پرسشنامه بلوغ هیجانی[3] (EMS): این مقیاس توسط سینگ و بهارگاوا[4] (۱۹۹۰) تدوین شده است و شامل ۴۸ سؤال و ۵ مولفه (ناپایداری هیجانی، بازگشت عاطفی، فروپاشی شخصیت، ناسازگاری اجتماعی و فقدان استقلال) می‌باشد. طیف پاسخ‌دهی آن براساس لیکرت پنج درجه‌ای از ۱ (هرگز) تا بسیار زیاد (۵) نمره‌گذاری می‌شود که نمرات بالاتر نشان‌دهنده بلوغ هیجانی کمتر است. روایی این مقیاس در برابر معیارهای بیرونی برای دانشجویان توسط مولفین پرسشنامه تایید شده است و همبستگی گشتاوری حاصل بین کل نمرات در مقیاس بلوغ عاطفی ۰/۶۷ گزارش شده است. پایایی بازآزمایی آن در در بازه ۶ ماهه ۰/۷۵ بوده است (به نقل از ایمانی و همکاران، ۱۳۸۸). در ایران شریفی ریگی (۱۳۹۷) همسانی درونی این مقیاس را برای زیرمقیاس ناپایداری هیجانی ۰/۷۵، بازگشت عاطفی ۰/۶۳، ناسازگاری اجتماعی ۰/۵۹، فروپاشی شخصیت ۰/۹۶ و فقدان استقلال ۰/۴۲ به‌دست آورده است. همچنین روایی این مقیاس در برابر معیارهای بیرونی یعنی پرسشنامه سازگاری بیکر و سیریک (۱۹۸۴) برای دانشجویان ۰/۶۴ بدست آمده است. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد و مقدار آن برای زیرمقیاس‌های ناپایداری هیجانی، بازگشت عاطفی، فروپاشی شخصیت، ناسازگاری اجتماعی و فقدان استقلال و برای کل مقیاس به‌ترتیب برابر با ۰/۶۵، ۰/۷۳، ۰/۶۹، ۰/۸۱، ۰/۶۷ و ۰/۷۶ به‌دست آمد.

پرسشنامه نیازهای دلبستگی[5] (MANS): این پرسشنامه توسط سامانی و سهرابی (۲۰۲۲) برای سنجش نیازهای دلبستگی زوجین ساخته شده است. محتوای این پرسشنامه براساس مصاحبه با زوجین تعیین گردیده است و شش مفهوم مرتبط با نیازهای دلبستگی استخراج شد: احساس امنیت، احساس حمایت و توجه، احساس مهم بودن، احساس عشق و احساس کارآمدی. پرسشنامه این مفاهیم را

1 Marital Instability Index
2 Edwards
3 Emotional Maturity Scale
4 Singh & Bhargava
5 Marriage Attachment Needs Scale

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.3.113]

در ۱۲ سوال پنج‌گزینه‌ای از ۱ (کاملا مخالفم) تا ۵ (کاملا موافقم) می‌سنجد. در پژوهش سامانی و سهرابی (۲۰۲۲) روایی پرسشنامه نیازهای دلبستگی در مرحله اول با ۳۵ نفر(۱۸ مرد و ۱۷ زن) از افراد متاهل مصاحبه دلبستگی انجام شد. در مرحله دوم ۱۴۰ فرد متاهل (۶۲ زن و ۷۸ مرد)، فرم اولیه مقیاس نیازهای دلبستگی زناشویی، مقیاس تعارضات زناشویی و مقیاس تجربه رابطه نزدیک را تکمیل کردند. تجزیه و تحلیل عاملی مولفه اصلی ضر یب G را با مقدار ویژه ۶/۲۶ و درصد وار یانس ۵۲/۱۹ نشان داد. همچنین تحلیل عاملی به شیوه تاییدی نیز فرضیه تک عاملی بودن مقیاس نیازهای دلبستگی را تایید کرده است (سامانی و سهرابی، ۲۰۲۲). ضریب آلفای کرونباخ و ضریب بازآزمایی مقیاس در بازه زمانی دو هفته‌ای به ترتیب ۰/۹۰و ۰/۹۲ بود (سامانی و سهرابی، ۲۰۲۲). پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد و مقدار آن برابر با ۰/۶۸ به‌دست آمد.

یافته ها

داده‌های جمعیت‌شناختی نشان داد که از بین مجموع ۲۰۰ شرکت‌کننده (۵/٪۶۲ زن و ۵/٪۳۷ مرد) در این مطالعه، ۸۳ نفر (۵/٪۴۱) ۲۰ تا ۲۹ سال، ۹۵ نفر (۵/٪۴۷) ۳۰ تا ۳۹ سال و ۲۲ نفر (٪۱۱) ۴۰ تا ۴۹ سال سن داشتند. میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان به ترتیب برابر با ۳۵/۱۳ و ۹/۱۰ بود. همچنین ۲۹ نفر (۵/٪۱۴) در مقطع کارشناسی، ۱۵۲ نفر (٪۷۶) در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۹ نفر (۵/٪۹) در مقطع دکتری، تحصیلات داشتند. از بین شرکت‌کنندگان ۳۵ نفر (۵/٪۱۷) دارای فرزند و ۱۶۵ نفر (۵/٪۸۲) بدون فرزند بودند. شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱.بی‌ثباتی ازدواج	۳۲/۴۰	۱۱/۰۳	۰/۷۳	۰/۸۶	۱							
۲.عدم ثبات عاطفی	۲۲/۳۲	۷/۲۱	-۰/۳۵	۰/۴۲	۰/۶۳**	۱						
۳.بازگشت عاطفی	۲۰/۳۳	۶/۹۲	۰/۷۳	-۰/۵۹	۰/۳۱*	۰/۳۹**	۱					
۴.فروپاشی شخصیت	۱۹/۵۲	۶/۳۰	۱/۱۹	-۰/۹۴	۰/۵۰**	۰/۶۰**	۰/۶۲**	۱				
۵.ناسازگاری اجتماعی	۱۷/۰۰	۵/۵۹	۰/۹۲	۰/۲۷	۰/۵۰**	۰/۶۰*	۰/۴۲*	۰/۴۵**	۱			
۶.عدم استقلال	۱۶/۵۹	۴/۷۶	۰/۶۵	۰/۵۴	۰/۴۲**	۰/۳۲**	۰/۵۶**	۰/۷۲**	۰/۳۶**	۱		
۷.نمره کل بلوغ هیجانی	۹۵/۷۴	۲۳/۸۵	۰/۳۴	۰/۳۷	۰/۵۸**	۰/۴۶**	۰/۴۵**	۰/۵۳**	۰/۴۳*	۰/۲۳**	۱	
۸.نیازهای دلبستگی	۳۹/۲۶	۱۲/۸۴	۰/۹۸	۰/۴۶	-۰/۸۰**	-۰/۳۷**	-۰/۵۰**	-۰/۵۹*	-۰/۴*	-۰/۴۲**	-۰/۴۳**	۱

P≤0.01** P≤0.05*

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.3.113]

همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود بی‌ثباتی ازدواج دارای میانگین ۳۲/۴۰ و انحراف استاندارد ۱۱/۰۳ می‌باشد. عدم ثبات عاطفی دارای میانگین ۲۲/۳۲ و انحراف استاندارد ۷/۲۱، بازگشت عاطفی دارای میانگین ۲۰/۳۳ و انحراف استاندارد ۶/۹۲، فروپاشی شخصیت دارای میانگین ۱۹/۵۲ و انحراف استاندارد ۶/۳۰، ناسازگاری اجتماعی دارای میانگین ۱۷/۰۰ و انحراف استاندارد ۵/۵۹، عدم استقلال دارای میانگین ۱۶/۵۹ و انحراف استاندارد ۴/۷۶ و همچنین نمره کل بلوغ هیجانی دارای میانگین ۹۵/۷۴ و انحراف استاندارد ۲۳/۸۵ است. متغیر نیاز دلبستگی دارای میانگین ۳۹/۲۶ و انحراف استاندارد ۱۲/۸۴ می‌باشد. طبق نتایج ماتریس همبستگی بین بلوغ هیجانی و نیازهای دلبستگی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین بلوغ هیجانی با بی‌ثباتی ازدواج رابطه مثبت و معنادار و بین نیازهای دلبستگی با بی‌ثباتی ازدواج رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

در بررسی مفروضات تحلیل رگرسیون چندگانه، شاخصهای کجی و کشیدگی ۲± در جدول ۱ نشان دهنده نرمال بودن تک متغیره بود. در بررسی نرمال بودن چندمتغیره، پس از محاسبه مقادیر باقیمانده‌های استاندارد شده، توزیع باقیمانده‌ها با آزمون کالموگروف اسمیرونوف یک‌راهه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که توزیع باقیمانده‌ها نرمال است (p<۰/۰۵، z=۰/۰۴). جهت بررسی مفروضه هم خطی متغیرهای پیش‌بین از آماره تحمل (Tolerance) و آماره تورم واریانس (VIF) استفاده شد و نتایج نشان داد که آماره تحمل بدست آمده برای متغیرهای پژوهش حاضر بیشتر از ۰/۱ (۰/۳۹ تا ۰/۵۲) و مقدار عامل واریانس تورم کوچکتر از ۱۰ (۱/۶۷ تا ۳/۲۶) بود که نشان‌دهنده عدم هم‌خطی بین متغیرهای پیش‌بین است. علاوه بر این برای بررسی مفروضه استقلال باقی مانده از آزمون دوربین-واتسون استفاده شد و میزان آماره این آزمون برابر با ۲/۲۰ به‌دست آمد که با توجه به اینکه مقدار آن در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد بنابراین پیش‌فرض استقلال داده‌ها نیز رعایت شد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه همزمان در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان برای بررسی فرضیه پژوهش

متغیر پیش‌بین	R	R^2	خطای استاندارد برآورد	β	t	P<	F	P<	df	
									رگرسیون	باقی مانده
نیازهای دلبستگی	۰/۸۱	۰/۶۶	۶/۴۵	-۰/۶۹	-۱۳/۷۰	۰/۰۰۱	۱۹۲/۰۱	۰/۰۰۱	۲	۱۹۷
بلوغ هیجانی				۰/۱۷	۳/۴۲	۰/۰۰۱				

باتوجه به نتایج جدول ۲ مقدار R برابر با ۰/۸۱ و مقدار R^2 برابر با ۰/۶۶ می‌باشد. به عبارتی نیازهای دلبستگی و بلوغ هیجانی در مجموع ۶۶ درصد از تغییرات بی‌ثباتی ازدواج را تبیین می‌کنند. همچنین نیازهای دلبستگی پیش‌بینی کننده‌ی منفی (p<۰/۰۰۱، ۰/۶۹-=β) و بلوغ هیجانی پیش‌بینی کننده‌ی مثبت (p<۰/۰۰۱، β=۰/۱۷) بی‌ثباتی ازدواج هستند. نیازهای دلبستگی نقش بیشتر در پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج بر اساس نیازهای دلبستگی و بلوغ هیجانی در دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی شیراز بود. نتایج به دست آمده نشان داد که نیازهای دلبستگی به‌طور معناداری بی‌ثباتی ازدواج دانشجویان متاهل را پیش‌بینی می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های بیژنی و همکاران (۱۴۰۲)، پارساکیا و همکاران (۱۴۰۲)، نیک منش و همکاران (۱۴۰۱)، الحزیل[1] و همکاران (۲۰۲۴) و پارک و هریس[2] (۲۰۲۳) همسو بود. در این راستا پاتریک (۱۹۹۶) بیان داشت زمانی که در زندگی زناشویی زوجین به نیازهای دلبستگی یکدیگر توجه نمی‌کنند یا به شکلی منفی به یکدیگر پاسخ می‌دهند و یا حتی زمانی که زوجین توانایی ابراز نیازهای خود را نداشته باشند؛ بیشتر از سایر زوجین دچار آسیب خواهند شد و ازدواج آنان با پیامدهای منفی زیان‌باری همراه می‌شود. در تبین این نتیجه می‌توان گفت دلبستگی در روابط بزرگسالی تنها یک سویه نیست که ماهیت برابرتر و متقابلی نیز دارد و زوجین از یکدیگر انتظار دارند تا

1 Alhuzail
2 Park & Harris

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.3.113]

مراقبت دریافت کنند. نیازهای دلبستگی دوران کودکی به نیازهای عاطفی و روانی اشاره دارد که کودکان برای ایمنی، اعتماد، محبت و تأیید از سوی مراقبان اصلی خود دارند. در یک رابطه زناشویی میان زوجین آن‌ها تمایل دارند تا نیازهای دلبستگی که خود شامل احساس امنیت، دوست داشته شدن، احساس الویت ارزشمندی و احساس حمایت و دریافت مراقبت می‌باشد برآورده شود (سامانی و سهرابی، ۲۰۲۲). برخی افراد یک سبک وابستگی امن را از کودکی توسعه می‌دهند که ارتباطات عاطفی سالمی را در بزرگسالی ایجاد می‌کند. برعکس، عدم تأمین این نیازها می‌تواند منجر به سبک‌های وابستگی ناامن شود که چالش‌هایی را در زندگی زناشویی به وجود می‌آورد (سامانی و سهرابی، ۲۰۲۲). اما اگر این نیازها در رابطه عاطفی میان زوجین برآورده نشود منجر به ایجاد احساس ناامنی (پارک و هریس، ۲۰۲۳) در رابطه میان آن‌ها خواهد شد و متعاقبا باعث پیدایش مشکل و تعارض می‌شود. زوج‌ها ممکن است به‌طور ناخودآگاه سعی کنند نیازهای دلبستگی دوران کودکی خود را در ازدواج‌هایشان بازسازی کنند و از طریق شریک زندگی خود به دنبال آرامش یا حل مشکلات گذشته باشند که اغلب منجر به انتظارات غیرواقعی و ناامیدی می‌شود. به عبارتی زمانی که هر یک از زوجین نیاز دلبستگی همسرش را برآورده نسازد این امر منجر می‌شود تا با افزایش تعارض و احساس ناامنی میان آن‌ها ازدواجشان رو به ثباتی و جدایی کشانده شود (پارک و هریس، ۲۰۲۳). زمانی که در زندگی زناشویی افراد به مشکل یا بحرانی بر می‌خورند خواه یا نا خواه تمایل دارند تا از منبع دلبستگی شان کمک بگیرند. حال اگر شریک زندگی این فرد در دسترس نباشد و نتواند نیازهای دلبستگی همسرش را برآورده کند منجر می‌شود تا رابطه زناشویی آنان دچار مشکل و تعارض بشود. بزرگسالانی که نیازهای دلبستگی‌شان در دوران کودکی ارضا نشده باشد، معمولاً در اعتماد به همسران خود مشکل دارند. این عدم اعتماد می‌تواند منجر به حسادت یا سوءظن شود و پایه‌گذار رابطه زناشویی را تضعیف کند (پارساکیا و همکاران، ۱۴۰۲). درواقع، زمانی که یک فرد در رابطه زناشویی خود با همسرش احساس کند که از طرف او دوست داشته نمی‌شود، مورد حمایت و توجه همسرش قرار نمی‌گیرد، همسرش از او پشتیبانی و مراقبت نمی‌کند و در نهایت با وجود همسرش احساس تنهایی می‌کند، رابطه او با همسرش رو به مشکل بر خواهد خورد و ممکن است به جدایی ختم شود.

دیگر نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن بود که بلوغ هیجانی نیز به‌طور معناداری بی‌ثباتی ازدواج دانشجویان متاهل را پیش‌بینی می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های معدنی و همکاران (۱۴۰۲)، علی‌چشمه علایی و همکاران (۱۴۰۲)، غلامی قره‌شیران و همکاران (۱۴۰۱)، آگوستینا و همکاران (۲۰۲۴) و پوربا و کاسومیاتی (۲۰۲۴) همسو بود. همان‌گونه که پژوهش معدنی و همکاران (۱۴۰۲) نشان داد کلیه‌ی متغیرهای طلاق عاطفی با متغیرهلای بلوغ هیجانی دارای رابطه هستند. بنابراین می‌توان گفت که از طریق بلوغ هیجانی تا حد زیادی می‌توان رضایت زناشویی و جنبه‌های مختلف کیفیت زندگی زناشویی را پیش‌بینی کرد. درتبین این یافته توان گفت زمانی که هر یک از زوجین در سطح خوبی از بلوغ هیجانی قرار داشته باشند توانایی کنترل تنش، احساسات و هیجانات خود را دارند، این افراد می‌توانند نسبت به موقعیت‌هایی که در زندگی برای آنان رخ می‌دهد پاسخ مناسب را ایجاد کنند (آگوستینا و همکاران، ۲۰۲۴). افرادی که از بلوغ هیجانی بالاتری برخوردارند، بهتر می‌توانند احساسات خود را مدیریت کرده، به‌طور مؤثری ارتباط برقرار کنند و با همسران خود همدلی کنند که این امر کیفیت زندگی زناشویی را افزایش می‌دهد. در مقابل، عدم بلوغ هیجانی می‌تواند منجر به سو تفاهم‌ها و تعارضات حل‌نشده شود که به‌طور قابل توجهی به نارضایتی و بی‌ثباتی زناشویی کمک می‌کند. مطالعات نشان داده‌اند که بلوغ هیجانی با نتایج مثبت سلامت روان مرتبط است (پوربا و کاسومیاتی، ۲۰۲۴)، که به نوبه خود از پیوندهای زناشویی قوی‌تر حمایت می‌کند. داشتن سطح باثبات‌تری از بلوغ هیجانی منجر می‌شود تا زوجین در رابطه با همسرشان به طرز کارآمدتری برخورد کنند و شاهد افرادی با همدلی بالا و توانایی حل تعارض،مقابله بامشکلات، ابراز وجود و حمایت را باشیم. بلوغ هیجانی به معنای مدیریت صحیح عواطف است. زوجینی که به بلوغ هیجانی رسیده باشند می‌توانند احساسات شان را کنترل، ابراز و مدیریت کنند پس بنابراین بلوغ هیجانی در زوجین یکی از ابعاد داشتن رابطه‌ای پایدار همراه با تعهد عاشقانه و طولانی مدت است. زوجینی که به جای بحث و کشمکش به گفتگو با هم برای حل مسائل و احساسات خود می‌پردازند و می‌توانند عواطفشان را بیان کنند به بلوغ هیجانی رسیده‌اند زمانی یک فرد در رابطه با همسرش از سطح بالایی از بلوغ هیجانی برخوردار باشد می‌تواند احساسات و هیجانات خود را شناسایی کند و به‌طور کارآمدی از آن‌ها استفاده نماید (غلامی قره‌شیران و همکاران، ۱۴۰۱). در مقابل اما زوجینی که از بلوغ هیجانی خوبی برخودار نیستند؛ انعطاف پذیری کمتری در مقابل مسائل و مشکلات زندگی از خود نشان می‌دهند (آگوستینا و همکاران، ۲۰۲۴). این افراد در زندگی زناشویی مسئولیت پذیری کمتری از خود نشان می‌دهند و مقاومت و تاب آوری چندانی در برابر ناملایمات زندگی ندارد بنابراین می‌توان نتیجه گرفت نداشتن بلوغ هیجانی می‌تواند یک ازدواج را دچار بحران نماید.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.3.113]

بنابراین، طبق یافته های این مطالعه. یافته‌ها نشان می‌دهند که این بلوغ هیجانی و نیازهای دلبستگی نقش مهمی در تعیین ثبات روابط زناشویی ایفا می‌کنند. عدم بلوغ هیجانی، که با دشواری در ابراز احساسات، الگوهای ارتباطی ناکارآمد و ناتوانی در مدیریت سازنده احساسات مشخص می‌شود، به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده‌ی مهم برای بی‌ثباتی زناشویی در دانشجویان متاهل عمل می‌کنند. این افراد، غالباً با حل تعارض، ایجاد مرزهای سالم و حفظ صمیمیت عاطفی دست و پنجه نرم می‌کنند و یک الگوی چرخه‌ای از ناکارآمدی ایجاد می‌کنند که می تواند ثبات ازدواج را در طول زمان از بین ببرد. همزمان، نیازهای برآورده نشده‌ی دلبستگی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ایی دیگر برای بی‌ثباتی رابطه ظاهر شد، به‌طوری که احساس ناامنی، دوست داشته نشدن، بی‌ارزش بودن یا کمبود توجه مستقیماً به تعارض و بی‌ثباتی ازدواج کمک می‌کند. محیط دانشگاه ممکن است تنش های خاصی را برای دانشجویان متاهل ایجاد می‌کند، که باید مسئولیت‌های تحصیلی را با خواسته‌های رابطه متعادل کنند و در عین حال به‌طور بالقوه با فرضیاتی از سوی همسالان و اساتید در مورد تعهد خود به اهداف آموزشی روبرو شوند. این مطالعه نیازهای اصلی دلبستگی در ازدواج‌ها را شامل احساس امنیت، با ارزش بودن، دریافت مراقبت و تجربه حمایت عاطفی مداوم می‌داند، که همگی پایه‌ای برای امنیت دلبستگی در روابط زناشویی ایجاد می‌کنند. همچنین می‌توان گفت بلوغ هیجانی به عنوان یک عامل محافظتی عمل می‌کند، به‌طوری که افرادی که بلوغ عاطفی بسیار ثابتی از خود نشان می‌دهند، در مقایسه با کسانی که الگوهای بلوغ هیجانی متوسط یا ناپایدار دارند، ثبات زناشویی بهتری از خود نشان دادند. این یافته‌ها یک مدل پیش‌بینی‌کننده‌ای ایجاد کرد که در آن بلوغ هیجانی و نیازهای دلبستگی برآورده نشده به‌طور همزمان بی‌ثباتی زناشویی را در بین دانشجویان پیش‌بینی می‌کند، و بر اهمیت حیاتی رشد هیجانی و پرورش آگاهانه نیازهای دلبستگی برای موفقیت رابطه در طول این دوره سازنده تأکید می‌کند.

پژوهش پیش رو مانند اغلب پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی بود. از جمله می‌توان به محدودیت در روش نمونه‌گیری دردسترس اشاره کرد. همچنین باید به عدم کنترل نوع ازدواج، سن ازدواج و عوامل فرهنگی مربوط به ازدواج در این پژوهش اشاره کرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود این پژوهش در دانشگاه‌های دیگر و جوامع آماری متفاوت و با کنترل عواملی چون نوع ازدواج و سن ازدواج انجام شود. با توجه به نقش مهم نیازهای دلبستگی، پیشنهاد می‌شود تا نقش این متغیر را با سایر متغیرهای حوزه تعارضات زناشویی و یا مهارات ارتباطی میان زوجین یا روش‌های حل مسئله میان آنان بررسی شود. با توجه به نتایج به‌دست آمده پیشنهاد می‌شود تا در مشاوره‌های پیش از ازدواج علاوه بر بررسی سطح بلوغ هیجانی زوجین و برگزاری کارگاه‌هایی جهت ارتقا سطح بلوغ هیجانی، کلاس‌های آموزشی مبتنی بر آگاه‌سازی زوجین نسبت به وجود نیازهای دلبستگی خود و همسرشان برگزار گردد.

منابع

ایمانی، ر.، و محب، ن. (۱۳۸۸). رابطه بین بلوغ عاطفی مادران با اختلالات رفتاری فرزندانشان. *زن و مطالعات خانواده، (۲)۶*: ۲۹-۴۹. https://sid.ir/paper/206242/fa

بیژنی، ج.، هاشمی، ن.، و سعادتی شامیر، ا. (۱۴۰۲). تعیین سهم سبک‌های دلبستگی و سبک‌های مقابله‌ای در پیش‌بینی بی‌ثباتی زندگی زناشویی با نقش واسطه‌ای تاب آوری در زوج‌های متعارض. *مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان*، ۴(۳)، ۶۰-۷۱. https://www.doi.org/10.52547/jspnay.4.3.60

پارساکیا، ک.، فرزاد، و.، و رستمی، م. (۱۴۰۲). بررسی نقش میانجی‌گری سبک دلبستگی در رابطه میان صمیمیت زناشویی و تمایزیافتگی زوجین. *خانواده درمانی کاربردی*، ۴(۱)، ۵۸۹-۶۰۷. doi: 10.22034/aftj.2023.379869.1889

جعفرنژاد، آ.، و خاکپور، ر. (۱۴۰۳). مقایسه بلوغ هیجانی و اختلال‌های روانی (اضطراب و افسردگی) در زنان و مردان با ازدواج سفید و رسمی. *خانواده و بهداشت*، ۱۴(۱)، ۲۲۶-۲۴۰. doi: 10.22034/fh.2024.2012006.1246

دریکوندی، ع.، و اصفهانی اصل، م. (۱۴۰۳). اثربخشی زوج‌درمانگری متمرکز بر شفقت بر ابرازگری هیجانی مثبت و منفی و ابرازگری صمیمیت در زوج‌های ناسازگار. *علوم روانشناختی*، ۲۳(۱۳۵): ۱۹۳-۱۷۷. http://dx.doi.org/10.52547/JPS.23.135.679

رضایی، ز.، بوستانی‌پور، ع.، و حبیبیان، ف. (۱۳۹۲). بررسی نقش اعتماد و صمیمیت در پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج در زنان و مردان متاهل. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۲(۴۷):۸۲-۶۹. http://irancounseling.ir/journal/article-1-60-fa.html

سلیمانیان، ع.، ریحانی، ر.، و نظیفی، م. (۱۳۹۵). پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج بر اساس مهارتهای تنظیم هیجانی و سبکهای هویتی. *روانشناسی بالینی و مشاوره*، ۶(۱)، ۶۰-۷۶. https://tpccp.um.ac.ir/article_32246d.html

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.3.113]

شریفی ریگی، ع. (۱۳۹۷). نقش بلوغ عاطفی، خودتاب‌آوری و هوش معنوی در پیش‌بینی سازگاری با دانشگاه، با کنترل انعطاف‌پذیری شناختی در دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه جندی‌شاپور اهواز. *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، (۷)*،۱۲، ۷۸-۶۹. https://doi.org/10.22108/ppls.2018.107494.1265

علی‌چشمه علایی، م.، سامانی، س.، سهرابی، ن.، و بقولی، ح. (۱۴۰۲). الگوی علی دل‌زدگی زناشویی بر اساس بلوغ عاطفی و بلوغ اجتماعی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی ایلام؛ ۳۱* (۱) :۸۱-۹۴. http://sjimu.medilam.ac.ir/article-1-7218-fa.html

غلامی قره شیران، ز.، ثنائی ذاکر، ب.، کیامنش، ع.، و زهراکار، ک. (۱۴۰۱). نقش نگرش به ازدواج و بلوغ عاطفی در پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج زنان و مردان. *مجله علوم روانشناختی، ۲۱* (۱۱۶) :۱۵۸۱-۱۵۹۸ http://dx.doi.org/10.52547/JPS.21.116.1581

کاکلیان، س.، مشایخ، م.، دوائی، م.، و خسروی بابادی، ع. (۱۴۰۳). تدوین مدل رضایت زناشویی بر اساس انتظارات زناشویی، بلوغ عاطفی و ابعاد عشق‌ورزی با میانجیگری تعارضات زناشویی در زنان متأهل. *روانشناسی و روانپزشکی شناخت، ۱۱* (۳) :۱-۱۵. http://dx.doi.org/10.32598/shenakht.11.3.1

مجرد، ص.، موسوی، س.، قربان پور لفمجانی، ا.، و رضایی، س. (۱۴۰۳). نقش میانجی گرانه نگرش‌های مذهبی در رابطه بین امیدواری و تاب آوری با بی‌ثباتی ازدواج در زوجین متقاضی طلاق. *دین پژوهی و کارآمدی*، ۳(۴)، ۹۷-۱۲۶. doi: 10.22034/nrr.2024.60101.1266

معدنی، ن.، نودهی، س.، محمدحسین‌زاده، ف.، مدرس‌زاده، ز.، و سنگانی، ع. (۱۴۰۲). رابطه بین بلوغ عاطفی با طلاق عاطفی دانشجویان متاهل، *نهمین همایش علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی*، ایران، تهران. https://civilica.com/doc/1838989

میری، ن.، زربخش بحری، م.، و قربان شیرودی، ش. (۱۴۰۲) اعتماد در زوجین آسیب‌دیده از خیانت بر اساس طرحواره‌های هیجانی با میانجیگری ابرازگری هیجانی. *رویش روان شناسی، ۱۲*(۷): ۱۵۴-۱۴۳. http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1402.12.7.15.1

نیک منش، ا.، روشن چسلی، ر.، فراهانی، ح.، و صادقی، م. (۱۴۰۱). رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی: نقش واسطه‌ای تعدیل‌شده‌ی رفتارهای دلبستگی. *پژوهش‌های نوین روانشناختی، ۱۷*(۶۸)، ۳۰۷-۳۱۷. doi: 10.22034/jmpr.2023.15335

Adekemi Omowonuola Loto, Justinah Oghenerioborue Ogboru & Omolabake Wosilat Adebayo. (2022) Home Economics Programme as a Tool for Marital Conflict Management. International *Journal of Home Economics, Hospitality and Allied Research 1*:2, 306-317. http://dx.doi.org/10.57012/ijhhr.v1n2.014

Agustina, M., Aminudin, S. Z., & Ubaidillah, A. W. (2024). Analysis of Conflict Management of Emotional Maturity Towards Women Married at a Young Age. *Journal of Religion and Social Community| E-ISSN: 3064-0326*, *1*(1), 27-32. https://jurnal.globalscients.com/index.php/jrsc/article/view/37

Alhuzail, N. A., Besser, A., & Zeigler-Hill, V. (2024). Sharing your husband: Adult attachment styles and emotional responses of Israeli Bedouin-Arab women to potential polygynous marriage. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, *21*(10), 1281. https://doi.org/10.3390/ijerph21101281

Bowlby, J. (1973) . *Attachment and loss: Vol. 2. Separation: Anxiety and anger* , New York : Basic Books. https://cir.nii.ac.jp/crid/1571135650353071232

Edwards, J. N., Johnson, D. R., & Booth, A. (1987). Coming apart: a prognostic instrument of marital breakup. Family Relations: An Interdisciplinary. *Journal of Applied Family Studies*, *36*, 168–170. https://doi.org/10.2307/583948

Ginalska, K., & Cichopek, A. (2024). Exploring links between attachment and mental health. *Kwartalnik Naukowy Fides et Ratio*, *59*(3), 73-83. https://doi.org/10.34766/fer.v59i3.1299

Johnson, S. M. & Whiffern, V. E. (1999). Ade to mass sure: adapting emotionally focused couple therapy to partners attachment styles. Journal of American psychology. 6, 366-381. https://psycnet.apa.org/doi/10.1093/clipsy.6.4.366

Joiner, R. J., Bradbury, T. N., Lavner, J. A., Meltzer, A. L., McNulty, J. K., Neff, L. A., & Karney, B. R. (2024). Are changes in marital satisfaction sustained and steady, or sporadic and dramatic?. *American Psychologist*, *79*(2), 225. https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/amp0001207

Koçak, A. (2024). From marital conflict to life satisfaction: How basic psychological need satisfaction operates—A dyadic analysis study. *Asian Journal of Social Psychology*. Advance online publication. http://dx.doi.org/10.1111/ajsp.12648

Lada-Masko, A. B., & Kazmierczak, M. (2025). Dyadic approach to maturity to parenthood: Multilevel study on attachment in expectant and non-expectant couples. *Journal of Reproductive and Infant Psychology*, *43*(1), 76-92. https://doi.org/10.1080/02646838.2023.2230592

Martins, L. B., Marengo, L. A. S., Casalecchi, J. G. S., de Almeida Figueiredo, M. J., & Silva Júnior, M. D. (2023). A systematic review of the relationship between marital satisfaction and adult's attachment styles: An evolutionary and cross-cultural perspective. *Trends in Psychology*, 1-27. https://doi.org/10.1007/s43076-023-00325-4

Nguyen, A. K. D., Murphy, L. E., Tylavsky, F. A., & Pagani, L. S. (2019). Prospective associations between ASD screening scores, parenting stress, and later socio-emotionalcognitive maturity in a community-based birth cohort. Research in Autism Spectrum Disorders, 59, 46-57. http://dx.doi.org/10.1016/j.rasd.2018.11.012

Novitasari, A. F., Luth, T., Djumikasih, D., & Chanifah, N. (2023). Regulation of Maturity Based on Marriage Law in Indonesia: A Perspective on Legal Benefits. *International Journal Of Humanities Education and Social Sciences*, *3*(3).549-554. http://dx.doi.org/10.55227/ijhess.v3i3.747

Ozeren, G. S. (2022). The correlation between emotion regulation and attachment styles in undergraduates. *Perspectives in Psychiatric Care*, *58*(2), 482-490. https://doi.org/10.1111/ppc.12902

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.3.113]

Park, C., & Harris, V. W. (2023). The impact of attachment styles on attitudes toward marriage: The mediating role of emotional intimacy. *The Family Journal*, *31*(2), 269-277. http://dx.doi.org/10.1177/10664807221124271

Purba, W. G. M., & Kusumiati, R. Y. E. (2024). Emotional Maturity as a Predictor of Marriage Readiness in Early Adult Women from Batak Ethnic Groups. *Jurnal Bimbingan dan Konseling Terapan*, *8*(2), 158-171. http://dx.doi.org/10.30598/jbkt.v8i2.2010

Samani, S., & Sohrabi, N. (2022). Lifestyle and attachment needs: emotional-focused therapy perspective. *The first national conference on psychology and quality of life*, Shiraz, Iran. http://dx.doi.org/10.36348/mejisc.2023.v03i01.001

Singh, Y., & Bhargava, M. (1990). Manual for Emotional Maturity Scale. Agra: National psychological corporation.

Wahyuni, S., Pranata, S., Mubin, M. F., & Ernawati, E. (2024). Discovering Factors Causing Divorce Through Biblio. *Journal of Client-Centered Nursing Care*, *10*(2), 79-90.

Zhang, M., Wang, J., Li, Q., Li, S., Bao, X., & Chen, X. (2023). Temporal characteristics of emotional conflict processing: the modulation role of attachment styles. *International Journal of Psychophysiology*, *193*, 112243. https://doi.org/10.1016/j.ijpsycho.2023.112243

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.14.3.113]